

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-۴۴

رویکرد اقتصادی خواجه نظام الملک با تکیه بر سیرالملوک

نادر پروین^۱
مسلم سلیمانی یان^۲
فرهاد عمورضایی^۳

چکیده

حمله ترکان سلجوقی بر جامعه و اقتصاد ایرانی تأثیر گذاشت و برای چند دهه موجب رکود فعالیت‌های اقتصادی آن جامعه شد. خواجه نظام الملک طوسی (۴۸۵-۴۰۸) از دیوانسالاران ایرانی دوره سلجوقی که تجربیات ارزنده‌ای از سنت‌های اقتصادی و دهقانی ایران زمین داشت، با نگارش کتاب *سیرالملوک*، رویکرد و کنشی فعال هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل، درباره مسائل و چالش‌های عصر خویش اتخاذ کرد. پرسش اصلی تحقیق این است که با توجه به کتاب *سیرالملوک*، مهمترین رویکردهای اقتصادی خواجه نظام الملک در ساختار دیوانی و نظامی سلجوقیان چه بوده است؟ دستاورد تحقیق حاکی از این است که نظارت بر دخل و خرج کشور و عملکرد مالی مقامات، صاحب منصبان دیوانی و مقطعان، ضرورت توجه به حقوق و معیشت رعیت و توده‌ها، جلوگیری از رشوه‌ستانی دربانان و قضات، ارتقاء معیشتی و ضرورت افزایش بودجه نظامیان، ضرورت اعمال مالیات بر سرزمین‌های مغلوب، حمایت از مالکیت دولتی و حکومتی به صورت گسترده و مالکیت خصوصی به صورت محدود و مشروط، مهمترین رویکردهای نظری و عملی خواجه نظام الملک در رابطه با ساختار اقتصادی حکومت سلجوقی بوده است.

کلیدواژه‌ها: اقطاع، خواجه نظام الملک، سلجوقیان، *سیرالملوک*.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول). parvinnader@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام. m.soleimani@ilam.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف دانشگاه ایلام. f.amoozeaei@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۷/۰۹

Economic approach of Nizam al-Mulk relying on *Siyar al-mulûk*

Nader Parvin¹

Moslem Soleimanian²

Farhad Amorezaei³

Abstract

The attack of the Seljuk Turks affected Iranian society and economy and caused an economic downturn of the society for some decades. Nizam al-Mulk Tusi (408-485 AH) was one of the Iranian bureaucrats during the Seljuk period who had valuable experiences of the economic and peasant traditions of Iran and by writing *Siyar al-mulûk* took an active approach and action in both the theoretical and practical fields about issues and challenges of his era. The main question of the research is what were the most important economic approaches of Nizam al-Mulk in the Seljuk court and military structure based on *Siyar al-mulûk*? The result of the research indicates that the most important theoretical and practical approaches of Nizam al-Mulk in the economic structure of the Seljuk government were monitoring the country's expenditure and the financial performance of the officials, the bureaucrats, and the judges, the necessity to pay attention to the rights and livelihood of the peasants and masses, preventing the bribery of doorkeepers and judges, improving the livelihood and the necessity to increase the military budget, the necessity of imposing taxes on conquered lands, supporting state and governmental ownership in a broad way and private ownership in a limited and conditional way.

Keywords: Iqta', Nizam al-Mulk, Saljuqids, *Siyar al-mulûk*.

1. Assistant professor, Department of Theology, Ilam university (Corresponding author). parvinnader@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Ilam University. m.soleimanian@ilam.ac.ir

3. Assistant professor, Department of Theology, Ilam university. f.amorezaei@ilam.ac.ir

درآمد

پیشینه سیاست‌نامه‌نویسی در ایران به پیش از اسلام می‌رسد. نیاز فرمانروایان به استفاده از تجربه‌ها و اندیشه‌های کسانی که در امر حکومت و زیر شاخه‌های آن از جمله اداره امور مالی صاحب نظر بودند، موجب نگارش چنین آثاری شده بود. در دوره هزار ساله چیرگی ترکان بر ایران زمین، تعادل دو نهاد سلطنت و وزارت در ابتدای تشکیل سلسله‌های نوین، دستخوش تزلزل می‌شد. وزیران به قدرت می‌رسیدند و از این راه به ثروتی نائل می‌شدند که آنان را به «شریک ملک» تبدیل می‌کرد. خواجه نظام الملک طوسی (حک. ۴۸۵-۴۰۸) یکی از این وزیران بود که با توجه به اقتدار شخصی و به حضور گسترده خاندانش در امور ولایات به بیشترین قدرت مالی و سیاسی دست یافت. همین امر موجب شد که سلطان از او بیمناک شود، به طوری که سبکی (۳۱۷/۱)، وزارت او را برتر از پادشاهی بر شمرده و نوشته است: «ولم تکن وزارت و زراه، بل فوق السلطنه». حاصل این تجربه منجر به نگارش کتابی در آیین حکومت‌داری شد که با واکاوی مطالب آن می‌توان به مؤلفه‌های مالی و اقتصادی مهمی در اندیشه و رویکرد نظام الملک در رابطه با امر حکومت‌داری پی برد. در واقع سیرالملوک یا سیاست‌نامه نظام الملک از مهمترین سیاست‌نامه‌هایی است که پس از اسلام توسط فردی که نزدیک به سه دهه اداره یک شاهنشاهی گسترده را بر عهده داشته است، نوشته شده است. این کتاب از نظر تعیین مواجب، عطایا، پاداش، حقوق، وظایف و شایستگی‌های مستخدمین اداری و لشکری، شیوه‌های مالیات‌گیری، اقسام مالکیت و سایر رویکردها و مؤلفه‌های مالی اهمیت شایانی دارد.

در واقع تأکید مداوم نظام الملک بر بیان شرایط مالی و وضعیت حقوقی نیروهای اداری و نظامی مؤید این است که از نظر او این نیروها در ساختار مدیریت کشور همانند دیگر کارکنان یکی از منابع مهم سرمایه‌ای حکومت به شمار می‌روند. مدعای مقاله این است که بر اساس اندیشه و رویکردهای اقتصادی نظام الملک در سیرالملوک، می‌توان مدل مالی مورد نظر وی را در عصر سلجوقی استخراج کرد. در این رابطه سؤال اساسی این است که رویکردهای مالی و اقتصادی خواجه نظام الملک در رابطه با نهاد دیوانسالاری، حکومت‌داری و اداره سپاه چه بوده است؟ فرض بر این است که خواجه نظام الملک در سیرالملوک بر پیوستگی، همراهی و لزوم سازگاری سه بخش اقتصاد، دیوانسالاری و

ارتش تأکید داشته است. روش این پژوهش بررسی محتوایی کتاب *سیرالملوک* است.

پیشینه تحقیق

درباره رویکردهای اقتصادی خواجه نظام الملک در کتاب *سیرالملوک* که از اهداف اصلی این مقاله است تاکنون در حوزه مطالعات تاریخی، پژوهشی انجام نشده است. البته غفاری (۱۳۸۹ش) در کتاب *تاریخ اندیشه‌های اقتصادی متفکران مسلمان*، تنها به بررسی بعضی از وجوه اندیشه اقتصادی خواجه نظام الملک پرداخته و به حوزه رویکردهای عملی و اقتصادی خواجه ورود پیدا نکرده است. علیان و دیگران (۱۳۹۱ش) در مقاله «اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام الملک در پیدایش و تحول آن» به نقش نظام الملک در پیدایی اقطاع نظامی در عصر سلجوقی پرداخته است. عباس ولی (۱۳۸۰ش) در کتاب *ایران پیشاسرمایه داری* به مسئله اقطاع‌داری نظامی با رویکرد مارکسیستی و بر اساس شیوه تولید آسیایی پرداخته است. ایشان با نقد نظرات پیشین از جمله اندرسون، کاهن و لمبتون سعی کرد، تبیینی دقیق‌تر از نظریه شیوه تولید آسیایی در مورد ایران ارائه دهد. زرگری نژاد و فروزش (۱۳۸۷ش) در مقاله «نقش اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک طوسی در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی» به بعضی از مؤلفه‌های اقتصادی در اندیشه خواجه نظام الملک اشاره کرده‌اند. تنها پژوهشی که از نظر شیوه کار به نوشته حاضر شباهت دارد، مقاله احمدزاده (۱۳۹۴ش)، تحت عنوان «جامعه‌شناسی تاریخی دولت و نسبت آن با مناسبات اجتماعی تولیدی در عصر نظام الملک» است، که البته آن مقاله بیشتر مبتنی بر منابع شرق‌شناسانه است. همچنین تابش و پرویش (۱۳۹۸ش) در مقاله «مدل شایستگی کارکنان در *سیرالملوک*» نیز به بعضی از رویکردهای اقتصادی خواجه نظام الملک اشاره کرده‌اند. اما به طور کلی سه اشکال اساسی متوجه مطالعات پیشین است؛ نخست اینکه هیچ کدام به صورت منظم، جامع و مانع رویکردهای اقتصادی نظام الملک از جمله رابطه رفاه با بهره‌وری و کارایی، اهمیت سیاست‌های حمایتی دولتی، اشتغال بهینه نیروی کار و رابطه آن با امنیت سرزمینی و ملی، لزوم برقراری مساوات و عدالت در تخصیص مناصب دولتی، آسیب‌شناسی مالی مناصب دولتی از نظر رشوه‌ستانی و دو شغله بودن و سایر رویکردهای نظری و عملی خواجه در

حل مهمترین مسائل اقتصادی حکومت سلجوقیان را مورد واکاوی قرار نداده‌اند. دوم آنکه مطالعات پیشین اغلب از سیاست‌های مالی اتخاذ شده توسط خواجه در راستای تمرکزگرایی و تنها در حد پرداخت حقوق و مواجب از طریق واگذاری اقطاع نظامی یاد کرده‌اند، در حالی که مقاله حاضر عمدتاً معطوف به شیوه‌های مدیریتی خواجه نظام الملک با استفاده از مؤلفه‌های مالی و اقتصادی خواهد بود. ضمن آنکه تاکنون هیچ کدام از مطالعات پیشین به بررسی آکادمیک و منظم سیرالملوک از نقطه نظر کشف اندیشه‌های مالی و اقتصادی خواجه نظام الملک پرداخته‌اند. از این جهت مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین بدیع است.

رویکردها

۱. اهمیت امور مالی در دیوانسالاری و اداره حکومت سلجوقی

بدون شک زیربنای پایایی و بقای دیوان سالاری، جدا از تدبیر مدن و اداره صحیح حکومت با مؤلفه‌های مالی پیوند مستقیم دارد. جدا از آن از آنجایی که امور مالی از مسائل اصلی و حساس حکومت‌هاست که در آن حیف و میل و اختلاس روی می‌دهد، از این‌رو می‌بایست بر دخل و خرج دولت و مراقبت از کارگزاران آن نظارت شدیدی اعمال شود (کلوزنر، ۹۱). برداشتها و سوء استفاده‌های مالی همیشه با پیچیدگی‌هایی توأم است، در آن دوره نظارت بر امور مالی زیر نظر دیوان اشراف بود که زیر نظر وزیر قرار داشت. نظام الملک (۲۱) درباره چنین مسائلی می‌نویسد: «کسی که بر وی اعتمادی تمام است، او را اشراف فرمایند تا آنچه به درگاه او رود او می‌داند و این کس باید از دست خویش به هر شهر و ناحیتی نائبی فرستند شدید و کوتاه دست تا اعمال و اموال را تیمار دارد».

نظام الملک (۲۱۳-۲۱۵) به شدت مخالف دو شغله بودن دیوانسالاران و مقامات اداری بود. وی سلطان را توصیه می‌کند که از واگذاری چندین مقام به یک نفر یا چند نفر در یک منصب پرهیز کند. چون این کار باعث خلل در انجام امور خواهد شد و می‌نویسد: «چون نیک نگاه کنی هر آن کس که او دو شغل دارد همواره هر دو شغل در خلل باشد... و باز هرگاه دو مرد را یک شغل فرمایند آن بدین افکند و این بدان، همیشه کار ناکرده ماند، این گوید او تقصیر کرد، بهانه بر او افکند و او گوید همه تقصیر این

کرد و جرم بر این نهاد» و در جای دیگر می‌نویسد: «و دیگر چون دو عمل یا دو سه عمل یک مرد را فرمایی عیب جویان گویند در شهر و مملکت ایشان مرد نمانده است که مردی را دو عمل می‌فرمایند» (همان، ۲۲۲).

خواجه با عنایت به اینکه ثروت و نیروی انسانی از لوازم قدرت‌اند، به مسائل مالی و به عبارتی «دخل و خرج خزانه» نیز توجهی ویژه دارد. وی نظارت بر عملکرد «عمال و معاملات» را از اهم واجبات و از وظایف سلطان آرمانی برمی‌شمارد و با یادآوری واقعیات موجود، وی را به میانه‌روی، اعتدال و رعایت انصاف در کسب، حفظ و توزیع درآمد دعوت می‌کند و می‌گوید: «اما میانه رفتن پادشاه در معنی مال دنیا و در کارها چنان است که در هر حال منصف باشد. سنت بد نهد و به بدعت رضا ندهند، و بر پادشاه فریضه است در تفحص کردن عمال و معاملات و به دانستن دفع کردن مضرت خصمان را و نه چنان کف بستن (بخل و حساست) که مردمان بر او رقم بخیلی و دنیادوستی فروکشند، و نه نیز چنان اسراف کردن که مردمان گویند باد دست است، مال تلف می‌کند؛ و به وقت بخشش اندازه هر کسی نگاه دارد، همچنین دخل و خرج و نگاه داشتن اموال و ساختن خزینه‌ها و ذخیره‌ها» (نظام الملک، ۳۳۰ - ۳۲۹).

خواجه به منظور تدبیر و اندیشیدن در امور ملک داری و حل یا کاهش رعیت آزاری و تداوم آبادانی از مؤلفه «چرخش نخبگان» نام می‌برد و می‌گوید «و هر دوسه سالی عمال و مقطعان را بدل باید کرد تا ایشان پای سخت نکنند و حصنی نسازند و دل مشغولی ندهند و با رعایا نیکو روند و ولایت آبادان بماند، در غیر این صورت نشان بیرانی و پراکندگی بروز خواهد کرد و جهان بدین سبب بیران می‌شود و رعیت، درویش و آواره می‌گردند و مال‌ها به ناحق سته می‌شود» (همان، ۵۵، ۱۷۷). خواجه با نفی و نهی از به زورستانی و چپاول اموال مردم توسط کارگزاران و اقطاع داران و به منظور ایجاد همدلی و وفاق بین ارکان قدرت، معتقد است که مال یا مزدشان را نه از طریق «حواله کردن به خزانه» بلکه «اولی‌تر باشد که پادشاه از دست خویش در دست و دامن ایشان کند، چه از آن مهری و اتحادی در دل ایشان بروید و به هنگام خدمت و کارزار سخت کوش باشند و ایستادگی کنند» (همان، ۱۳۴).

نظام الملک (۱۷۰) با ذکر فواید سفره چیدن برای خادمان حکومتی و مراجعان به دربار

و نیز نان و صلت دادن به مردم، سعی دارد به قضیه اقتصاد و معیشت به صورت فرادینی و فرا جهانی نگاه کند؛ چنانکه می‌گوید: «...و در همه روزگار در کفر و اسلام خصلتی فراتر از نان دادن نبوده‌است ... و هر که در جهان نام گرفته است، بیشتر از نان دادن گرفته است و مردم نان کور و بخیل، در دو جهان نکوهیده است» (همان، ۱۷۳). «فراخ داشتن نان و طعام بر خلق خدای عزوجل در بقاء عمر و ملک و دولت بیفزاید». بنابراین «همت و مروت بر اندازه کدخدایی او باشد و سلطان کدخدای همه جهان باشد و همه پادشاهان زیردست او باشند؛ پس واجب کند که کدخدایی او و همت و مروت و خوان و صلت او بر اندازه او باشد و از همه پادشاهان بیشتر و نیکوتر باشد» (همان، ۱۷۱).

خواجه بخشودگی و دست‌گیری از بیچارگان و درماندگان مسلمان را از مصادیق بارز عدل و از مختصات سلطان آرمانی برمی‌شمارد و در این باره خطاب به سلطان زمانه، ملکشاه، می‌گوید: «خداوند عالم خلد الله ملکه بدانند که بخشودن چون نیکو خصلتی است... پس بیاید دانست که اگر کسی بر مسلمانی که درمانده باشد، ببخشاید و او را دست گیرد، خدای تعالی چه ثواب ارزانی دارد؛ و چون پادشاه چنین باشد، گماشتگان و لشکر او همه چنین شوند و سیرت او گیرند لاجرم خلق خدای در راحت افتد و ثمرت این به هر دو جهان باشد ان شاءالله تعالی» (همان، ۲۰۰-۱۹۹).

خواجه سپس با آرمانی فرض کردن «رسم پرورش و ترتیب ترفیع و ارتقای مقام و درجه غلامان» در روزگار سامانیان مبنی بر اینکه «به تدریج بر اندازه خدمت و شایستگی، غلام را درجه می‌افزودنی». به انتقاد از بی‌حسابی‌های عصر خود و نادیده گرفتن سابقه خدمت و شایستگی‌های افراد در انتصابات می‌پردازد و می‌گوید: «غلامان را به روزگار قدیم در پرورش و مرتبت ایشان از آن روز که بخریده‌اند، تا آن روز که پیر شده‌اند و برکشیده‌اند، ترتیبی بوده‌است پسندیده، و در این ایام آن رسم از قاعده خویش بیفتاده است» (نظام الملک، ۱۴۱).

خواجه، منصب قضات را بدان سبب که «برخونها و مال‌های مسلمانان مسلمانان، کاری مهم و نازک برمی‌شمارد و آفات آن را جهل، رشوه و انتقام و راه پیشگیری از آسیب‌های مذکور را نظارت و آگاهی از «احوال یگان یگان قاضیان ملک» و پرداخت حقوق و مزایای کافی ذکر می‌کند (همان، ۵۶).

خواجه گماشتن «محتسب» را در شهرها از دیگر واجباتی برمی‌شمارد که بر سلطان فرض است. محتسب موظف است با امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر اوزان، مقیاس، قیمت و انواع اجناس، از تخلف بازاریان پیشگیری کند و در ثبات نظم موجود بکوشد؛ «بر پادشاه واجب است، به هر شهری محتسبی باید گماشت تا ترازوها و نرخ‌ها راست می‌دارد و خرید و فروخت‌ها می‌داند تا اندر آن راستی رود، و هر متاعی که از اطراف آرند و در بازارها فروشند، احتیاط تمام کند تا غشی و خیانتی نکنند و سنگ‌ها راست دارند» (همان، ۵۹-۵۶).

خواجه نظارت ویژه بر کار «پاسبانان و نوبتیان و دربانان خاص» را نیز به سلطان یادآور می‌شود و برای حل بنیادی مسئله رشوه‌ستانی از طریق بهبود اوضاع مالی مشاغل یاد شده و ارائه راه‌کارهای مناسب، شیوه‌های نظارتی را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «در کار پاسبانان و نوبتیان و دربانان خاص احتیاطی تمام باید کرد، کسانی که این قوم را تیمار دارند باید که همه را بشناسند و از احوال ایشان پنهان و آشکارا بر رسیده می‌دارند که ایشان بیشتر ضعیف حال و مطمع باشند و به زر زود فریفته شوند» (نظام الملک، ۱۶۹).

نظام الملک با طرح مسئله برابری اقتصادی و اجتماعی بر این باور بود که افراد داخل در قلمرو حکومت اسلامی بدون توجه به منزلت، شأن و قدرشان می‌بایست از فرصت‌های برابری با دیگران برخوردار باشند و در این راستا مساوات در فرصت‌های اقتصادی را شرط ضروری و لازم به منظور برابری اجتماعی و تحقق این مسؤلیت را بر عهده دولت می‌دانست (غفاری، ۶۷).

به نظر خواجه پادشاه سلجوقی می‌بایست به دو خزانه مجهز باشد. وی در این باره می‌نویسد: «پادشاهان را همیشه دو خزانه بوده است یکی خزانه اصل و یکی خزانه خرج؛ و مالی که حاصل میشدی بیشتر به خزانه اصل بردندی و کمتر به خزانه خرج و تا ضرورتی نبود از آن خزانه اصل خرج نفرمودندی و اگر چیزی برداشتندی بر وجه وام برداشتندی و بدل باز جای نهادندی» (نظام الملک، ۲۴۶).

۲. مالیات و مالکیت و رابطه آن با سیستم اقطاع

ضرورت اعمال مالیات در اندیشه خواجه نظام الملک مبتنی بر الگوی «سیاست در

سرزمین‌های مفتوحه و مغلوب» بوده‌است (رایس، ۸۹). به این صورت که اخذ مالیات بر اساس زمین‌های تحت کشت و میزان نفوس و جمعیت و همچنین در موارد نیاز دولت مرکزی به تأمین هزینه‌های نظامی و جنگی در نوسان بوده‌است (آشتیانی، ۱۸).

یکی از رویکردهای اصلی این سیستم دیوانی، واگذاری اقطاع بود که در حیطه اختیارات و نظارت دیوان استیفا قرار داشت. اقطاع داران حق داشتند تا مالیات بگیرند که مقدار معینی از آن به خزانه سلطان واریز می‌شد و این سلطان بود که در واقع اداره مناطق را برعهده داشت. واگذاری اقطاع در دوره سلجوقی عمدتاً به منظور تأمین بودجه خزانه صورت می‌پذیرفت (لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ۴۱).

در آن عصر، الگوی اقتصاد سیاسی مبتنی بر مالیات‌گیری با رویکردهای خواجه نظام الملک انطباق داشت؛ به گونه‌ای که در موارد گوناگون این مهم قابل طرح است، وی به عنوان وزیر و دیوانسالار مهم ایرانی از رابطه بین رفاه، کارایی و بهره‌وری و ایفای نقش این سه مؤلفه در وضعیت اقتصادی کشور مطلع بود و توسعه رفاه اجتماعی را باعث افزایش بهره‌وری و سطح کارایی آن می‌دانست. او در طول دوره وزارت خود قصد داشت که با تأمین منافع و مصالح مادی و رفاه کارگزاران و لشکریان به توسعه بهره‌وری و کارایی بپردازد.

از جهت دیگر او دخالت در بازار به قصد فراهم سازی منابع و منافع مصرف کنندگان را لازم می‌دانست. به نظر او انبارهای غله می‌بایست پر باشد تا در زمان وقوع بلیه‌های طبیعی از جمله در شرایط خشکسالی، بتوان از این انبارها استفاده و برداشت کرد. احتکار تولیدات ضروری جامعه می‌بایست متوقف و محتکر و گران‌فروش جریمه شود. ضروری است بازار به گونه‌ای کنترل شود که منافع مصرف کنندگان تأمین شود (محمدصادق و غزالی، ۱۸).

مسئله مهم نظام الملک، مالکیت بود. او در این باره معتقد بود که مالکیت نهایی متعلق به رئیس حکومت و هم زمین و هم رعایای ساکن آن تحت مالکیت مرکزی پادشاه، سلطان یا رئیس حکومت است. به عقیده او اگر مالک یا صاحب زمین نتواند وظایف خود را به صورت صحیح انجام دهد، می‌بایست زمین از او باز پس گرفته شود و صاحبان زمین هیچ حقی در تثبیت میزان و مقدار مالیات نداشته و فقط باید مالیات را جمع‌آوری کنند. او با

طرح این عقاید و نظریات و رویکردها بر آن بود که قدرت صاحبان زمین را تقلیل داده و قدرت حاکمان سلجوقی را افزایش دهد (محمدصادق و غزالی، ۸۸).

به نظر می‌رسد مهمترین مسئله‌ای که در تضعیف سیستم یا ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره نظام الملک نقش تعیین کننده داشت، اعمال مالیات‌های عمومی و مالیات بر زمین‌های اقطاعی بود که امکان همه نوع کنش مستقلانه را از کشاورزان و گروه‌های تولید سنتی می‌گرفت. در چنین ساختاری، هرگونه اعمال مالیات و آنچه بر وفق رسوم و قاعده باید پرداخت می‌شد، برعهده رعیت بود و این موجب در قلمرو امپراتوری سلجوقی به وسیله عمال خراج جمع‌آوری می‌شد. همچنین اقطاع داران، مستوفیان ولایات یا حکام به اقتضای ضرورت یا بدون آن، علاوه بر مالیات رسمی، مالیات‌هایی به عنوان «رسوم» مطالبه می‌کردند که مالیات «زائد» محسوب می‌شد. نوع دیگری از مالیات مرسوم به «طیارات» که مربوط به راهداری بود، به عنوان هزینه تأمین طرق و حمل و نقل محصولات به بازار فروش دریافت می‌شد. مسئله دیگری که به فشار اقتصادی بر جامعه منجر می‌شد، این بود که نظام اقطاع به دور از هرگونه حسابرسی به فعالیت می‌پرداخت و از مداخله و حسابرسی مأموران دیوانی در امان بود که این مسئله نیز موجب اجحاف و تعدی‌های فراوان و ایجاد فاصله بیشتر بین حکومت و رعایا می‌شد. بنابراین نظام الملک در سیرالملوک به صاحبان اقطاع هشدار داده است که بیانگر آگاهی او از سوء استفاده معمول مقطعان و سخت‌گیری آنان بر رعیت است و اعلام کرده است که مقطعان باید: «مال حق را که بدیشان حواله کرده‌اند از رعایا بستانند بر وجهی نیکو و چون آن بستند آن رعایا به تن و مال و زن و فرزند ایمن باشند و ضیاع و اسباب ایشان ایمن باشد» (نظام الملک، ۸۰).

۳. رابطه تقویت جایگاه مالی و فزونی نظامیان با سازه قدرت

نظام الملک (۴) بررسی سیرالملوک را از جنبه‌های مختلف مفید می‌داند. آگاهی از «احوال لشکر» یکی از کارکردهای مطالعه سیرالملوک است. در واقع مطالعه این کتاب در تبیین سیاست‌های مالی و روابط دوسویه نظامیان و شهریاران مفید است. این مسئله از آنجا اهمیت دارد که تأسیس حکومت، حفظ و گسترش قلمرو، ایجاد امنیت و حفظ

منافع گروه‌های حاکم از مهم‌ترین کارکردهای نیروهای نظامی به شمار می‌رود. در بین حکومت‌های ایران بعد از اسلام، سلجوقیان اولین حکومتی بودند که توانستند حدود قلمرو خود را به حدود قلمرو ساسانیان نزدیک کنند (بویل، ۱۰۱). گسترش قلمرو امپراتوری سلجوقیان نیازمند استخدام نیروی رزمی متناسب با آن بود. سپاه اساس دولت آنها به شمار می‌رفت (حقی اوزون چارشلی، ۵۵).

با توجه به اظهارات نظام‌الملک در سیرالملوک و دامنه اقتدار و اختیارات او در آغاز فرمانروایی ملکشاه، بعید نیست با صلاح‌دید او تعداد سپاهیان سلجوقی افزایش یافته باشد. اصفهانیان (۵۹) بر این باور است که تعداد نیروی نظامی سلجوقیان در زمان ملکشاه افزایش چشمگیری یافته است. یکی از اشکالاتی که رقیبان به نظام‌الملک می‌گرفتند و از او نزد ملکشاه سعایت می‌کردند استخدام ۴۰۰.۰۰۰ نفر سپاهی بود. به نظر یکی از مقامات، نگهداری این تعداد نیرو در هنگام صلح و ثبات حکومت ضرورتی نداشت. از نظر این فرد ملکشاه می‌توانست فقط ۷۰.۰۰۰ نفر از سپاهیان را نگه دارد و با نپرداختن مواجب ۳۳۰.۰۰۰ نفر خزانه خود را پر کند. خواجه با اشاره‌ای به این مطلب و از زبان شخصی که فساد ملک می‌جسته است، می‌نویسد: «و مثل این معنی چنان است که روزی یکی که فساد ملک می‌جوید و توفیرها می‌نماید، هفتاد هزار مرد کفایت باشد که بدارند و به هر وقت اگر حاجت افتد به مهمی نامزد کنند، دیگر همه را اجرا و جامگی باز گیرند تا خزانه را هر سال چندین هزار هزار دینار توفیر باشد و به اندک روزگار خزانه پر زر شود» (نظام‌الملک، ۲۲۴-۲۲۳).

از سوی دیگر از نظر خواجه پیامد دیگر اخراج ۳۳۰.۰۰۰ نفر از سپاهیان این خطر را در پی دارد که ممکن است آنها گرد یک مدعی جمع شوند و چون از ۷۰.۰۰۰ سپاهی سلطان به مراتب بیشتر هستند، حکومت را ساقط کنند و از جمله غنائمشان همان خزاینی باشد که از اخراج آنها پر شده است. اگر چنین رویدادی به وقوع پیوندد چندین خزانه پر از زر هم نمی‌تواند حکومت را از نابودی برهاند. در آخر خواجه چنین نتیجه می‌گیرد که «مملکت به مردان نگاه توان داشت و مردان را به زر و هرکه ملک را گوید «زر را بگیر و مردان را بگذار» او به حقیقت دشمن ملک باشد و فساد ملک می‌جوید که این زر هم از مردان به دست آمده است، سخن آن‌کس نباید شنید (نظام‌الملک،

(۲۲۴). از نظر خواجه بزرگان سپاه زینت حکومت به شمار می‌روند (همان، ۲۳۰).

۴. حقوق و مواجب

مسئله و موضوع مهم دیگری که در ارتباط با نظامیان برای نظام الملک اهمیت داشت، منابع و چگونگی پرداخت حقوق نظامیان است. در فصل بیست و سوم سیرالملوک وی ضمن تأکید بر مشخص کردن منابع مالی بخش نظامی حکومت، از دو روش مختلف برای پرداخت حقوق و حق الزحمه نظامیان نام می‌برد: بخشی از سپاه با روش اقطاع مزد خدمات خود را دریافت می‌کنند و بخشی دیگر که شامل غلامان بودند حقوق خود را به طور نقدی می‌گرفتند.

مفردان از جمله غلامان نظامی حاضر در درگاه بودند که خواجه توصیه می‌کند برای آنها حقوق زیاد و بدون تأخیر در نظر گرفته شود. هر پنجاه مرد از آنها یک نقیب داشته باشند تا از حال آنها باخبر باشند و در خدمت آنها باشند. همه آنها باید اسب و تجهیزات داشته باشند تا هرگاه کار مهمی پیش آید که در حیطة کاری آنها باشد هر چه زودتر انجام دهند (نظام الملک، ۱۲۵).

نظام الملک (۱۳۵) تأکید می‌کند برای هر دو گروه باید مقدار منابع اقطاع و یا مبلغ پرداختی مشخص شود. او توصیه می‌کند، بهتر است پادشاه سالی دو بار غلامانی را که خدمت نظامی انجام می‌دهند، فراخواند و به دست خود به آنها از خزانه مواجب عطا کند، زیرا «لشکر را مال روشن باید کرد، آنچه اهل اقطاع اند، اندر دست ایشان مطلق و مقرر باید داشت و آنچه غلامان اند که اقطاع داری را نشاید، مال ایشان را پدیدار باید آورد، اولی تر آن باشد که پادشاه از دست خویش در دست و دامن ایشان کند چه از آن مهری و اتحادی در دل ایشان برآید و به هنگام خدمت و کارزار سخت کوش تر باشند و ایستادگی کنند».

این رسم قبل از آن هم از سوی پادشاه ساسانی به کار برده می‌شد، چنانکه دینوری از دادن مواجب سپاه به دست خسرو انوشیروان یاد می‌کند (دینوری، ۲۳۴). اقطاع داران هم باید تعداد سربازان خود را به درستی بیان می‌کردند و هم آمار کسانی را که به هر علتی فوت می‌کردند، مخفی نکنند. به فرماندهان خیل ها هم بگویند به هر ترتیبی شده

همه لشکر را آماده به خدمت نگه‌دارند و اگر خلاف این عمل کنند باید غرامت مالی که به آنها بابت خدمات نظامی پرداخت شده را مسترد کنند (نظام‌الملک، ۱۳۵).

در واقع نظام اقطاع به منظور تحدید دایره مرزهای کشور، تسهیل مدیریت کارآمد متصرفات و اداره آن با هدف کاهش هزینه‌های دولتی و تمرکززدایی از حکومت مرکزی توسط خواجه ابداع شد. از طرف دیگر سپاهیان عشیرتی سلجوقی، پس از گذشت بیش از چند دهه از حکومت سلجوقی نتوانسته بودند خود را با ویژگی‌های یک سپاه ثابت هماهنگ کنند. عادت مستمر و همیشگی به غارت و خود سری‌های آنها برای کسب استقلال، مانع تمرکز و استقرار حکومت سلجوقی می‌شد (یوسفی فر، ۶۳۳). بنابراین مسئله مهم برای خواجه چگونگی تأمین منابع مالی برای پرداخت حقوق سپاسیان و در اختیار گرفتن این منابع بود. با دریافت مالیات و حق ضمان شهرها، حقوق بخشی از سپاه به نقد و بخشی هم به صورت حواله و برات داده می‌شد. گاهی هزار دینار برای یک سرباز مقرر می‌شد که نیمی از آن به شهرهای روم و نیمی دیگر به دورترین شهرهای خراسان حواله می‌شد. بنابر عقیده بنداری، نظام الملک مبدع اقطاع بود (بنداری، ۶۷). کاهن^۱ (۸۹/۳) و به تبع او لمبتون (مالک و زارع در ایران، ۱۶۲-۱۲۰) ضمن نقد این موضوع، مبدع بودن نظام الملک را در این مورد انکار می‌کنند و معتقدند که واگذاری اقطاع در دوره سلجوقی در ادامه عملکرد بویه‌یان و برای بهره بردن از مالیات شهرها بود و در آن نوآوری دیده نمی‌شود. کاهن و لمبتون معتقدند که سلجوقیان به علت مشکلات مالی به واگذاری اقطاع پرداختند. با گسترش تدریجی سپاه به منظور لشکرکشی‌های متعدد و افزایش نیاز مادی آنها، دستگاه دیوانی از تأمین مواجب نقدی سپاه عاجز بود، بنابراین خواجه این مشکل را با واگذاری اقطاع به سران نظامی حل کرد.

نظریات لمبتون و کاهن تا حد زیادی رد می‌شود؛ زیرا ثروت‌های موجود در ولایات و محصولات و عواید کشاورزی، عواید دولت و خزانه کشور را تأمین می‌کرد. از این رو چگونه ممکن است حکومتی که خزانه خود را ناتوان از پرداخت حقوق و مواجب نظامیان می‌بیند، بتواند با تبدیل آن به اقطاع که سرچشمه اصلی ثروت‌های



خزانه است، مشکل مالی را حل کند؟ افزون بر این، اگر دولتی که نظام الملک متولی آن بود مشکل مالی داشت، چگونه میراث ملک‌شاه، بیست و یک هزار تومان زر سرخ کنی، معادل دویست و ده میلیون دینار (مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۴۳۹) و به روایتی دویست و پانزده هزار دینار زر سرخ بود. از این نظر پر رونق‌ترین خزانه سلسله سلجوقی به حساب می‌آمد (مستوفی، نزهه القلوب، ۸۳). پس باید رویکرد خواجه در واگذاری اقطاع به نظامیان را علاوه بر پرداخت حقوق نظامیان، در امر دیگری جستجو کرد. به نظر می‌رسد باید بین اقطاع به مثابه منبع پرداخت حقوق نظامیان و اقطاع به منزله حکمرانی، تفاوت قائل شد. مسئله مهمی که لمبتون و کاهن به آن توجه نکرده‌اند و تفاوتی بین والی‌گری و اقطاع قائل نشده‌اند (آندرسون، ۱۲۳؛ ولی، ۶۷).

نظام الملک در کنار واگذاری اقطاع نظامی، والی را مؤظف می‌کرد بخشی از درآمد را هزینه نگهداری سپاه و صرف امور دیوانی و نظامی از جمله قلعه‌سازی و گردآوری علوفه و مانند اینها کند و بخشی را نیز در همان منطقه به والی اقطاع می‌داد (نک. عبدالفتاح الجالودی، ۱۴۲-۱۴۳). می‌توان گفت با گسترش مرزهای جغرافیایی امپراتوری سلجوقی، تعدد سپاه و گسترش دیوانی، خواجه چاره کار را در آن دید که با تمرکز زدایی از مرکز و محول کردن برخی اختیارات به ولایات دور و مرزی، بار سنگین اداره امور لشکر و نظارت بر امور را در قلمرو امپراتوری تقسیم کند. این امر با واگذاری اقطاع این ولایات به امیران نظامی میسر شد (نیشابوری، ۲۰).

این واگذاری‌ها مزایایی دیگری نیز داشت، اول آنکه سپاهیان برای دریافت حق و حقوق خود به مرکز مراجعه نمی‌کردند، چرا که رفت و برگشت آنها به مرکز موجب صرف وقت، هزینه‌های زیاد و خستگی و فرسودگی سپاه می‌شد. از سوی دیگر این سپاه عظیم در حرکت‌های متعدد خود به مرکز در بین راه، ساکنان شهرها و روستاها را از چپاول عظیم و غارت‌های خود بی بهره نمی‌گذاشت و بنا بر گفته راوندی (۱۳۱)، اقطاع‌های ایشان «در بلاد ممالک پراکنده بودی تا به هر طرف که رسیدندی ایشان را علوفه و نفقات مهیا بودی». دیگر اینکه با استقرار سپاهیان در مرزها، ضمن صرفه جویی در منابع مالی، عکس‌المعمل آنها هنگام جنگ‌ها سریع‌تر بود و سلطان می‌توانست در وقت مقتضی با سپاهیان مستقر در مرکز به یاری آنها بشتابد.

رویکردهای پیش گفته تنها در عرصه نظر مورد توجه خواجه نبود بلکه پس از قتل آلب ارسلان و ابقای خواجه در مقام وزارت، به دستور او ۷۰۰.۰۰۰ دینار به حقوق لشکریان افزوده شد (ابن اثیر، ۱۰/ ۷۶۷). به سال ۴۷۹ امرای مقطع که نظام الملک در اولین دیدار ملکشاه از بغداد، آنها را به خلیفه معرفی کرد و شرح حال مختصری از محل اقطاع ایشان همراه با تعداد سربازان در اختیارشان داد، بیش از ۴۰ نفر بودند (بنداری، ۹۰). احتمالاً هر امیر نظامی حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سرباز مزدور داشت. با مدیریت خواجه، حکومت مناطق مرزی شمال غرب، غرب و جنوب غرب، که می‌توان آن را به صورت هلالی از نقشه جغرافیایی قلمرو سلجوقی ترسیم کرد، در اختیار نظامیان قرار گرفت تا امنیت در مرزها برقرار و تشکیلات حکومتی را بسان حکومت مرکزی در ولایات اقطاعی ممکن کنند و همچنین مالیات اضافی را به مرکز ارسال کنند (نظام الملک، ۳۳).

نظام الملک (۱۸۹) در جای دیگر «درازدستی» یا تجاوز لشکریان بر مال و جان رعیت را ناپسند دانسته و آن را به منزله یکی از پیامدهای بروز آشوب و بی‌سروسامانی جامعه قلمداد می‌کند. نویسنده *قابوس‌نامه* هم تسلط سپاهی بر رعیت را برابر با ویرانی مملکت می‌داند (عنصرالمعالی، ۲۳۲). بنابراین تدبیر دیگری که نظام الملک در ارتباط با ارتش به آن اشاره دارد، توجه ویژه به مایحتاج سپاهیان در هنگام لشکرکشی است. او معتقد است باید مکان‌هایی برای ذخیره‌سازی آذوقه سپاه در نظر گرفته شود تا در هنگام لشکرکشی به مال و اموال رعایا دست اندازی نکنند (حسینی یزدی، ۶۱). در این رابطه خواجه به بزرگان و اشراف حکومتی هشدار می‌دهد که از اسراف در خرید لباس‌های گران قیمت دوری کرده و به جای آن، جنگ افزار و غلام خریداری کنند: «معروفان را که جامه‌های گران دارند بباید گفت تا تجمل و سلاح و آلت جنگ سازند و غلام خرنند که جمال و شکوه ایشان این چیزها بود اندر تجمل و آلت زینت خانه» (نظام الملک، ۱۶۵).

نتیجه

بررسی محتوای *سیرالملوک* نشان می‌دهد که خواجه نظام الملک به اهمیت و نقش مسائل مالی در دیوانسالاری و اداره حکومت سلجوقی هم در حوزه نظری و هم در حوزه رویکردهای عملی توجه کرده است. برخلاف مطالعات پیشین که از اندیشه‌های



اقتصادی خواجه نظام الملک تنها در حد پرداخت حقوق و مواجب از طریق واگذاری اقطاع به سران نظامی و تلاش وی برای تمرکزگرایی یاد می‌کنند، در این پژوهش که با بررسی رویکردهای نظری و عملی خواجه بر اساس سیرالملوک انجام شده، نشان می‌دهد که وی با ایجاد پیوند بین اقتصاد با دیوانسالاری و اداره ارتش در صدد بود تا از ابزارها و مؤلفه‌های اقتصادی به عنوان شیوه مدیریتی استفاده کند. برای نمونه وی با واگذاری اقطاع به نظامیان، علاوه بر تأدیه حقوق آنان، هم در صدد تمرکز زدایی از طریق دور نگه داشتن نظامیان از مرکز بود و هم با اختصاص منابع مالی زمین‌های اقطاعی به آبادانی منطقه تحت حاکمیت والی توجه کرد. مسئله مهمی که محققین مهم حوزه مطالعات اقتصادی دوره ایران میانه و در رأس آنان لمبتون و کاهن به آن توجه نکرده‌اند، تفاوتی بین اقطاع‌داری به منزله پرداخت حقوق و اقطاع‌داری به عنوان ابزار اداره مملکت است. در بررسی محتوای سیرالملوک امکان پی‌گیری و ترسیم آن دسته از رویکردهای اقتصادی خواجه که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته، وجود دارد. از جمله نظارت بر دخل و خرج کشور و عملکرد مالی مقامات، صاحب منصبان و مقطعان، مذمت دو یا چند شغله بودن صاحب منصبان اداری و دیوانی، ضرورت توجه به حقوق و معیشت رعیت و توده‌ها، اهمیت و ضرورت سفره چیدن برای مقامات و مردم، جلوگیری از رشوه‌ستانی دربانان و قضات از طریق پرداخت حقوق و مزایای مکفی به آنان، چرخش نخبگان در مناصب اقتصادی، ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، ترفیع وضعیت مالی، ارتقاء معیشتی و ضرورت بودجه‌افزایی نظامیان، افزایش تعداد نظامیان و نظارت بر سیستم مالی، گزینش و جذب سربازگیری، ضرورت اعمال مالیات بر سرزمین‌های مغلوب و حمایت از مالکیت خصوصی به صورت محدود و مشروط، از مهمترین رویکردهای اقتصادی خواجه نظام الملک است. از نظر خواجه برآیند این موارد بر سازه قدرت سلجوقیان تأثیر مستقیمی خواهد گذاشت.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.
- احمدزاده، محمدمیر، «جامعه شناسی تاریخی دولت و نسبت آن با مناسبات اجتماعی تولیدی در عصر نظام الملک»، نشریه دولت پژوهی، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴ ش.
- اصفهانیان، داود، «تشکیلات نظامی سلجوقیان»، بررسی های تاریخی، سال ۸، شماره ۵، ۱۳۵۲، آذر و دی ماه.
- آشتیانی، عباس، وزارت درعهد سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران، نشر زمینه، ۱۳۳۸.
- آندرسون، پری، تبارهای دولت استبدادی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۰.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی، زبده النصره نخبه العصره (تاریخ سلسله سلجوقی)، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
- بویل، جی.آ (گردآورنده)، تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- تابش، یعقوب و محسن پرویش، «مدل شایستگی کارکنان در سیرالملوک»، جستارهای تاریخی، سال دهم، پیاپی ۲۰، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- حسینی یزدی، محمد بن عبدالله بن نظام، العراضه فی الحکایه السلجوقیه، تصحیح فارل زوینهام، لیدن، ۱۳۷۰.
- حقی اوزون چارشیلی، اسماعیل، «تشکیلات امپراتوری سلجوقیان (۳)»، ترجمه محمدرضا نصیری، نامه انجمن، سال ۸، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۱.
- دینوری، ابوحنیفه، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
- راوندی، محمد بن علی، راحه الصدور و آیه الصدور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- رایس، تامارا، سلجوقیان در آسیای کهن، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
- زرگری نژاد، غلامحسین و سینا فروزش، «نقش اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک طوسی در

- تمرکز قدرت ترکان سلجوقی»، نشریه مسکویه، ش ۸، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷.
- سبکی، تاج الدین، طبقات شافعیه الکبری، بیروت، عیسی البابی الحلبی، ۱۹۶۶.
- علیان، عبدالفتاح الجالودی و دیگران، «اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام الملک در پیدایش و تحول آن»، ترجمه سجاد جمشیدیان، پژوهش در تاریخ، سال ۶، ش ۲، ۱۳۹۱.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، قابوس نامه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- غفاری، هادی و اصغر ابوالحسنی، تاریخ اندیشه‌های اقتصادی متفکران مسلمان، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۸۹.
- کلوزنر، کارلا، دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- لمبتون، آن. کاترین، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
- _____، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.
- محمدصادق، ابوالحسن و عیدیت غزالی، عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، ترجمه احمد شببانی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.
- مستوفی، حمدالله، زهه القلوب، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱.
- _____، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- نظام الملک، حسن بن علی، سیرالملوک (سیاستنامه)، تصحیح هیوبرت دارک، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- نیشابوری، ظهیرالدین، سلجوقنامه، تصحیح محمد رضائی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.
- ولی، عباس، ایران پیشاسرمایه داری، ترجمه شمس آوری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- یوسفی فر، شهرام، «سازمان سپاه در دوره سلجوقیان بزرگ»، مجموعه مقالات تاریخ و جغرافیای تاریخی، تهران، بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۳.
- Cahen.c., «L'Evolution de l'iqta'du IXe au XIIIe Encyclopedia of Islam, London, 1934.